

دیپلماسی جدید مسکو در قفقاز

در دیپلماسی جدید مسکو در قفقاز تلاش می شود تا فرمول 1-3 (آذربایجان و ارمنستان منهای گرجستان) دنبال شود

سرویس روسیه/خبرگزاری آران / سرویس روسیه : به نظر می رسد مقامات روسیه پس از بحران گرجستان و جدا کردن دو منطقه استقلال طلب این کشور (اوستیای جنوبی و آبخازیا) روی به دنبال کردن یک بازی دیپلماتیک جدید در این منطقه آورده اند.

در دیپلماسی جدید مسکو در قفقاز تلاش می شود تا فرمول 1-3 (آذربایجان و ارمنستان منهای گرجستان) دنبال شود. این بدان مفهوم است که سیاست مداران کرملین تلاش دارند تا با جلب و جذب آذربایجان به مسکو، دولت باکو را به خود نزدیک کنند. برای تحقق این هدف تلاش برای ایفای یک نقش میانجیگرانه بین دو طرف منازعه و زدودن سیاست قبلی "جانبدارانه به نفع ایروان" یکی از این راه کارهاست. از این رو در سفر اخیر (17 و 18 اکتبر) دمتری مدودف رییس جمهور روسیه به ایروان، رهبر کرملین از سرژ سرکیسیان همتای ارمنی خود به همراه الهام علی اف رییس جمهور آذربایجان دعوت به عمل آورد تا در 2 نوامبر به طور همزمان در مسکو حضور به هم رسانند تا بحران 16 ساله "ناگورنو-قره باغ" را با میانجیگری مسکو به بحث و گفت و گو بگذارند.

این سیاست مسکو در گام اول نتیجه داد و رهبران ارمنستان و آذربایجان با صدور اعلامیه ای مشترک در مسکو بر ضرورت حل و فصل بحران قره باغ تاکید کردند. مسکو در سه ماه گذشته و در پی حمله به گرجستان از سوی غرب متهم به زورگویی در قفقاز و نقض ثبات و امنیت این منطقه شده است پر واضح است که در صورت حل و فصل اختلافات آذری-ارمنی، مسکو از زیر بار این اتهام سنگین تا حدود زیادی شانه خالی خواهد کرد.

از سوی دیگر جذب آذربایجان، به جهت اینکه این کشور صاحب یکی از بزرگترین ذخایر نفتی در منطقه است، حایز اهمیت می باشد. در صورت موفقیت این سیاست جدید و کاهش رویکردهای غرب گرایانه حاکمان باکو، این امر می تواند یک دستاورد مهم برای روسیه باشد چرا که در صورت نزدیکی باکو به مسکو خطر چرخش و یا لغزش باکو به دامان غرب (اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ناتو) کاهش خواهد یافت. پیشبرد این سیاست می تواند حلقه محاصره حاکمان گرجستان را نیز تنگ تر سازد و مقامات تفلیس که در دو ماه گذشته دو منطقه جدایی طلب خود را در شمال غربی و شمال شرقی کشورشان از دست داده اند از ناحیه همسایه های جنوبی خود نیز احساس خطر کنند.

این امر به ویژه در صورتی که روابط آذربایجان و گرجستان را تحت تاثیر قرار دهد و رخنه ای در آن پدید آورد اهمیت به مراتب افزون تری برای مسکو خواهد داشت. حلقه دیگر سیاست جدید مسکو پس از بحران گرجستان نحوه تعامل با حاکمان اوکراین و رییس جمهور غرب گرای این کشور "ویکتور یوشچنکو" است. کرملین به نحو زیرکانه ای با ابزارهای متعدد تشویقی و تنبیهی خود در مقابله با اوکراین تلاش دارد به مرور و بدون اینکه متهم به حمایت از متحدان خود در اوکراین شود "زیر پای" یوشچنکو را خالی کند.

مقامات کرملین که 5 سال پیش و همزمان با قدرت گرفتن یوشچنکو در اوکراین تاب تحمل چهره به غایت زیبای او را نداشتند در گام نخست با مسموم کردن وی با سم (توسط افسران مجرب سرویس اطلاعاتی خود) در وین اتریش، چهره زیبای این سیاست مدار جوان را تبدیل به پیرمردی 70 ساله کردند. از سوی دیگر مقامات کرملین در چند سال گذشته و به ویژه پس از بحران گرجستان تلاش کردند تا سیاست های زیر را در قبال اوکراین به طور همزمان پیش ببرند:

1- ایجاد اختلاف بین هیات حاکمه اوکراین: در چارچوب این سیاست مقامات مسکو از یولیا تیموشنکو نخست وزیر اوکراین و متحد سابق یوشچنکو در برابر یوشچنکو حمایت کردند و سعی کردند تا با جذب خانم تیموشنکو، در هیات حاکمه اوکراین و میان متحدان سابق "انقلاب نارنجی" اختلاف افکنی کنند.

این سیاست روسیه تا حدود زیادی موفق بود و توانست اختلاف بین دو رهبر را تعمیق کرده و ائتلاف حاکم بر اوکراین را به فروپاشی کشاند. در جریان بحران گرجستان در حالی که ویکتور یوشچنکو برای حمایت از مقامات و ملت گرجستان و ابراز همدردی با آنها به تفلیس رفت و در میدان اصلی این شهر "نطق قرایی" را در حمایت از گرجستان و محکوم کردن تجاوز روسیه به خاک این کشور ایراد کرد؛ اما یولیا تیموشنکو در کنار وی قرار نگرفت و به جای گرجستان به مسکو رفت و با ولادیمیر پوتین همتای روس خود پای یک میز نشست.

استنباط تیموشنکو در مخالفت با سیاست یوشچنکو در تقابل با روسیه این بود که جامعه اوکراین یک جامعه دو پارچه است که حدود نیمی از مردم آن روس تبار هستند بنابراین برای حفظ انسجام اجتماعی اوکراین و نیز حفظ روابط دوستانه با همسایه قدرتمند (یعنی روسیه) نباید سیاست اتحاد با غرب را از راه تقابل با روسیه پیش برد.

2- حمایت از روس تباران ساکن اوکراین: در این چارچوب مسکو تلاش دارد تا با دمیدن بر تنور مخالفت افکار عمومی اوکراین با عضویت این کشور در ناتو و بزرگ نمایی این امر در رسانه های خود در برابر امپال غربگرایانه حاکمان اوکراین مانع ایجاد کند.

3- استفاده از اهرم انرژی: اوکراین به طور قابل ملاحظه ای وابسته به منابع انرژی روسیه است از این رو کرملین از این اهرم موثر همچون یک ابزار مهم در برابر حاکمان اوکراین استفاده می کند.

بنابراین با مرور تغییرات صورت گرفته در سیاست مسکو پس از بحران گرجستان در منطقه قفقاز و "خارج نزدیک" این کشور می توان رویکرد جدید مقامات مسکو را که تفاوت معناداری با رویکرد این کشور قبل از بحران گرجستان دارد مورد ارزیابی قرار داد.

در سیاست جدید قفقازی روسیه تلاش برای انزوای بیشتر گرجستان، جلب و جذب آذربایجان به روسیه، تلاش برای ایفای نقش میانجیگرانه در حل بحران ناگورنو-قره باغ بین آذربایجان و ارمنستان و خارج شدن از سیاست جانبداری از ارمنستان (لا اقل در ظاهر)، اختلاف افکنی در هیات حاکمه اوکراین و بدین سان تضعیف ائتلاف غربگرای حاکم بر این کشور، موافقت با ایفای نقش کشورهای منطقه از جمله ترکیه و ایران در قفقاز و خارج کردن این منطقه از زیر سایه نفوذ تک جانبه روسیه برای خارج کردن این منطقه از سایه یک رقابت دو طرفه بین غرب و روسیه با بازی با "حاصل جمع صفر" مورد توجه مسکو است.

در صورت اعمال این سیاست هر نوع نفوذ غرب در این منطقه به مفهوم باخت روسیه نخواهد بود و به عبارت بهتر بازی از حالت "حاصل جمع صفر" خارج می شود، چرا که بازیگران افزایش می یابند و پرواضح است که در چنین حالتی روسیه به عنوان ماهرترین بازیگر نتایج بهتری به دست خواهد آورد.
پایان پیام.